





ویژه نامه حماسه خاندان عقیل



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

حماسه خاندان عقیل در دو آزمایش بزرگ

عقیل در بین مسلمانان جایگاه خوبی داشت بویژه در نزد پیامبر اسلام که سخت مورد محبت و علاقه آن حضرت بود و این محبت و دوستی را بارها اظهار کرده و به وی می فرمود: من تو را به دو جهت دوست می دارم یکی اینکه خودت دوست داشتنی هستی و دیگر اینکه چون ابوطالب تو را بسیار دوست می داشت. (۳)

خاندان عقیل

عقیل بن ابی طالب از چند همسر و کنیزی که داشت از نعمت فرزندان خوبی برخوردار بود و در تاریخ نامی از آنها به جز کسانی که در نهضت امام حسین علیه السلام شرکت جسته اند به چشم نمی خورد. مسلم بن عقیل، عبدالله اکبر، علی، محمد، ابی سعید، عبدالرحمن و جعفر جزو فرزندان عقیل می باشند. (۴)

در فرزندان عقیل علاوه بر ایمان، تعهد، اخلاص، شجاعت، جود و سخاوت، قابلیت های فراوانی دیده می شد. چرا که برخی از فرزندان وی جزو فقها و سخنوران بوده اند. (۵)

علت عدم حضور در جنگ های علی علیه السلام

با اینکه عقیل حدود بیست سال از علی علیه السلام بزرگتر بود طبعاً فرزندان بزرگتری هم داشته اما نام هیچکدام از آنها را در جنگ های سه گانه امیرمؤمنان نمی یابیم و دلیل روشنی هم بر عدم حضور آنان نیافتیم. اما عدم حضور خود عقیل این است که ظاهراً در آن روزها بینایی خود را از دست داده بود و درباره سایر فرزندان باید گفت یا اصلاً شرکت نکرده اند و یا حضور داشته اند اما نامشان در شمار شرکت کنندگان نیامده است.

شاید از نامه ای که عقیل به برادرش علی علیه السلام نوشته بتوان استفاده کرد که او و فرزندان او می خواست در جنگ های علی حضور داشته باشد اما این مولا علی بود که به وی اجازه شرکت را نداده بود. چنانچه مرحوم محدث قمی می نویسد: ولم یشهد مع اخیه امیرالمؤمنین من حروبه ایام خلافت و عرض نفسه و ولده علیه فاعفاه و لم یكلفه حضور الحرب. (۶)

عقیل در هیچ یک از جنگ ها با برادرش امیرمؤمنان علیه السلام در روزهای خلافتش شرکت نکرد و در همان روزها خود و فرزندان او بر آن حضرت برای شرکت در جنگ عرضه کرد اما امام علی علیه السلام او را معاف دانست. و یا در آن روزهایی که سستی مردم و خیانت آنها را به علی می شنود طی نامه ای برای حضرت می نویسد و بار دیگر آمادگی خود و فرزندان او را جهت دفاع از امیرمؤمنان اعلام نموده

همانگونه که می دانید علت غائی آفرینش انسان برای به فعلیت رساندن استعداد های بالقوه و رساندن او به کمال مطلق است. از اینرو خداوند منان بر بشر منت نهاد و او را از نیستی به وجودش آورد؛ و این جهان پهناور را که خود مناسبترین بستری است برای شکفتن این استعدادها و بهترین آزمایشگاهی است برای عرضه این شکوفه ها در اختیار انسان قرار داد. خوشبختانه برخی در این دنیا از فرصت ها بهترین استفاده را کرده و با تفکر و بینش قوی که داشتند با جدیت گام برداشته و به مطلوب خود رسیدند و برخی هم در دام زخارف دنیا گرفتار شده و از قافله کمال عقب ماندند. و نهضت امام حسین علیه السلام که خود یکی از همین آزمایش های الهی بود برخی بی تفاوت از کنار آن گذشتند و برخی دیگر همانند خاندان عقیل خود را در دریای موج و پرتلاطم و طوفانی انداختند تا خود را به کشتی نجات و راه روشن حسین بن علی علیه السلام برسانند.

آن جوانان پرشور و نشاطی که خاتمه تمام کمالات اخلاقی و علمی خود را با خط سرخ شهادت رقم زدند. و آنانکه هنوز بدنیا نیامده بودند پیامبر از شهادت برخی این عزیزان خبر داده و برایش اشک ریخته است و آنها که امام حسین علیه السلام بر قاتلان نشان لعنت فرستاده و امام سجاد سخت به آنها عشق می ورزیده است. اینک به پاس آن رشادتها و جانبازیهای این جوانان عاشق و دل داده، این نوشتار کوتاه را که در حقیقت نگاهی کوتاه بر حماسه خاندان عقیل در نهضت و قیام امام حسین علیه السلام می باشد، به ادامه دهندگان راهشان تقدیم می کنیم.

جایگاه عقیل بن ابی طالب:

جناب ابوطالب - علیه الرحمه - چهار فرزند داشت به نام های طالب، عقیل، جعفر و علی علیه السلام به ترتیب هر یک ده سال از دیگری بزرگتر بودند و به جز طالب که سرنوشت او بدرستی روشن نیست هر کدام نقش بسیار مهمی را در عالم اسلام ایفا کرده اند. و عقیل بن ابی طالب که دومین فرزند این خانواده می باشد، اگرچه بینایی خود را از دست داده بود، اما او از هوش و استعداد بسیار خوبی برخوردار بوده از جمله به خوبی از اصل و ریشه طوایف و قبایل عرب آگاه بود از اینرو به نسابه عرب معروف گشته بود. (۱)

عقیل با اسلام آوردن و هجرت خود به مدینه هم پیامبر را خوشحال کرد و هم سایر بنی هاشم را. و در جنگ موته همراه برادرش جعفر بن ابی طالب حضور داشت. (۲)



ویژه نامه حماسه خاندان عقیل



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

منزل ثعلبیه رسیده و در آنجا فرود آمد. چیزی از مدت استراحت امام و یاران نگذشته بود که دو نفر به نامهای عبدالله بن سلیمان و منذر بن المشعل اسدی با بدست آوردن اخبار ناگواری از کوفه به خدمت امام علیه السلام رسیدند. پس از سلام، عرض کردند خبری به حضورتان آورده ایم. اگر صلاح می دانید در جمع یاران بگوئیم و اگر صلاح نمی دانید در پنهانی گزارش کنیم. حضرت با نگاهی به ما و سایر یاران خود، فرمود: من چیزی از اینان پنهان ندارم، خبرتا مرا نزد همه بگوئید.

گفتیم آیا بخاطر داری دیشب که می آمدی بر سر راهت به سواره ای که از کوفه می آمد برخورد کردی و چند لحظه درنگ کردی و سپس به راه خود ادامه دادی؟ حضرت فرمود: آری و می خواستم از او سؤالاتی بنمایم. گفتیم آری به خدا سوگند ما اخبار کوفه را از او جویا شدیم و او فردی از طایفه ما بود. او چنین گفت که من از کوفه بیرون نیامدم تا مسلم و هانی کشته شدند و به چشم خود دیدم که طناب به پای آن دو بسته و در کوچه و بازار کوفه می کشانند.

حضرت با شنیدن این خبر چند مرتبه انالله و انا الیه راجعون را بر زبان جاری ساخته و پیوسته می فرمود خدا رحمت کند مسلم و هانی را. (۹) و به نقل سید در لهوف: امام حسین علیه السلام گریه اش گرفت و فرمود: خدای رحمت کند مسلم را که به سوی روح و ریحان خدا و بهشت و رضوانش شتافت و آنچه که بر او بود انجام داد... (۱۰)

همو اضافه می کند که با رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل غوغایی به پا شد و آن منزل یکپارچه صدای ضجه، گریه و ناله شده و برای مصیبت مسلم اشکها سرازیر شد. (۱۱)

سپس آن دو نفر امام را به خدا سوگند دادند که از همین جا برگردد زیرا در کوفه یآوری نخواهی داشت و بیم آن را داریم که این ماجرا درباره تو تکرار گردد. (۱۲)

در اینجا تنها گروهی که نظرشان برای سایر یاران امام حسین علیه السلام بسیار مهم بود خاندان عقیل بود که خبر شهادت مسلم را دریافت کرده بود. از اینرو با یک شور و حماسه فراوانی راه سخن را بر آن دو نفر اسدی بسته و چنین گفتند: سوگند به خدا هرگز بر نمی گردیم تا انتقام خود را بگیریم و یا آنکه مرگ را همانند برادرمان مسلم بچشیم (۱۳) و با این جملات شورانگیز و این ایستادگی و شهامت به کسانی که فکر می کردند آنان همانند دیگران که بر سر دو راهی قرار گرفته و یا قصد بازگشت را دارند پاسخ بسیار محکمی بود،

و از حضرت خواستار شده بود که نظر خودش را در این خصوص بنویسد و در آن نامه نوشته بود: علی جان اگر دفاع تا سر حد جان می خواهی بگو که به همراه برادر و برادرزاده هایت در کنار تو خواهیم بود، چرا که مرگ و زندگی را در کنار تو بهتر می پسندیم زیرا هیچگاه زندگی را پس از مرگت نمی خواهیم. سوگند به خدای جل و علا که زندگی پس از تو برای ما گوارا نخواهد بود.

حضرت در پاسخ به عقیل چنین نوشت: اما آنچه را که درباره فرستادن برادر زادگان نوشته بودی بدان که نیازی به آنها ندارم پس در همان جا بمان زیرا به خدا سوگند دوست ندارم اگر کشته شوم همراه من کشته شوید (۷) و از این نامه برمی آید که فرزندان عقیل در سن و سالی بوده اند که هر یک می توانسته در جبهه و جنگ شرکت کند اما علی علیه السلام اجازه حضور نداده و احتمال دیگری هم هست که بیشتر فرزندان عقیل خردسال و کوچک بوده اند چنانچه حضرت درباره آنها چنین فرموده: و رایت صبیانه شعث الشعور غیر الالوان من فقرهم... (۸) که حضرت در نهج البلاغه از فرزندان عقیل به صبی تعبیر می کند و صبی همان فرزندان کوچک را می گویند. و دلیلش این است که مسلم بن عقیل در زمان حکومت علی علیه السلام هشت ساله بوده و با این بیان عدم حضور آنان یک امر طبیعی بوده است.

خاندان عقیل در حماسه حسینی

از زمانیکه سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام به عنوان اعتراض به خلافت یزید، مدینه را به قصد مکه ترک گفت بنی هاشم و بخصوص خاندان عقیل از مواضع به حق امام حسین دفاع کرده و به صف مخالفین نظام بنی امیه بویژه یزیدبن معاویه قرار گرفتند.

فرزندان عقیل نیز مدینه را ترک گفته و به همراه امام حسین علیه السلام در مکه اقامت کردند و آن روزی که حضرت سفر خود را به کوفه آغاز کرد خاندان عقیل از جمله پیشتازانی بودند که امام را با کمال میل و رغبت همراهی کردند. و شاید بتوان گفت این هم یکی از دلایلی است بر اینکه فرزندان حضرت عقیل در زمان حکومت امام علی علیه السلام و جنگهای حضرتش خردسال بوده اند؛ چرا که در زمان امام حسین علیه السلام و آغاز نهضت عاشورا به سن بلوغ و رشد رسیده اند که در رکاب حضرت نیز حضور می یابند.

خاندان عقیل در دو آزمایش بزرگ

کاروان حسینی همچنان به راه خود ادامه می داد تا شبانه به



ویژه نامه حماسه خاندان عقیل



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

او همچنان به وظیفه خود در پیشبرد این قیام مردمی با کمال دقت و مراقبت عمل می کرد به گونه ای که کوفه را پذیرای ورود امام حسین علیه السلام نمود، اما یکباره با آمدن عبیدالله بن زیاد اوضاع به هم خورده و سخت پیچیده گشت و در نهایت مسلم بن عقیل پس از ابراز آن حماسه جاوید و نشان دادن آن همه شجاعت و پایداری سرانجام با اعطای امان دروغین به او، در دام جلادان عبیدالله بن زیاد افتاده و پس از یک برخورد شدید با عبیدالله به طرز فجیعی در کوفه به شهادت رسید و پیکر پاک و مطهرش را از بالای قصر الامارة به پائین پرتاب کردند. (۱۶)

۲ - جعفر بن عقیل: (۱۷) از جمله افتخار آفرینان خاندان عقیل بود که به میدان نبرد شتافت. وی در ابتدا رجز خواند و چنین گفت:

من جوان ابطحی طالبی و از خاندان بنی هاشم و غالب هستم، ما به تحقیق از بزرگان و سادات هستیم و حسین در میان ما پاکیزه ترین پاکان است.

آنگاه مردانه جنگید تا بوسیله عروه بن عبدالله خثعمی بشرف شهادت نائل آمد. (۱۸)

و بنابر نقل ابن شهر آشوب در این نبرد بی امان پانزده نفر را کشته تا اینکه به دست بشر بن حوط به شهادت رسید. (۱۹) و برخی دیگر شهادت جعفر بن عقیل را در وقت حمله دستجمعی آل ابی طالب می دانند که در آن حمله جمعی از خاندان ابوطالب از جمله جعفر بن عقیل شرکت داشته است. (۲۰)

۳ - عبدالرحمن بن عقیل: سومین فرزند عقیل، عبدالرحمن (۲۱) بود که پس از حمله خاندان ابوطالب به میدان رزم رفته و با خواندن این رجز به جنگ با دشمن پرداخت:

پدرم عقیل است و جایگاهم را از بنی هاشم بشناسید، و هاشم برادران منند، آنانکه پیران راستگویی و سادات قرآن بوده اند و این حسین است که از نظر مقام و مرتبت دارای مقامی رفیع و بلند مرتبه است. سپس به جنگ کوفیان رفته و هفده نفر از آنان را به هلاکت انداخت. کوفیان اطرافش را گرفته و او را از پای درآوردند، سرانجام عثمان بن خالد بن اشم جهنی (۲۲) و بشر بن حوط همدانی را به شهادت رساندند. (۲۳)

۴ - محمد بن عقیل: محمد بن عقیل بن ابی طالب یکی از فقهای

اینجا بود که امام علیه السلام با نگاهی که به آن دوا سدی می کرد با یک جمله موضع قاطع و صریح خود را بیان داشت و آن جمله این بود که حضرت فرمود: لا خیر فی العیش بعد هؤلاء (۱۴)، از پس شهادت اینان هیچ خیری در زندگی نمی باشد. این به گفت و دستورهای بعدی را صادر فرمود.

یک آزمایش دیگر از بنی عقیل:

در شب عاشورا هنگامی که امام حسین علیه السلام در تاریکی شب خطبه خواند و به تمام یاران اجازه رفتن داد، برادران و فرزندان برادرش و همچنین فرزندان عبدالله جعفر در ادامه سخنان حضرت قمر بنی هاشم پاسخ دادند: هرگز چنین کاری نخواهیم کرد! برای آنکه پس از تو زنده باشیم؟! خداوند چنین روزی را به ما نشان ندهد. اینجا بود که امام حسین علیه السلام نگاهی به فرزندان عقیل کرده و فرمود: عزیزانم شهادت مسلم شما را بس است، به شما اجازه می دهم که بروید فرزندان عقیل که خود را در یک آزمایشی دیگر می دیدند، در پاسخ امام علیه السلام یکصدا گفتند: سبحان الله فما یقول الناس، مردم درباره ما چه می گویند؟! آیا نخواهند گفت که ما سید و بزرگ خودمان را در سخت ترین شرایط رها کرده در حالیکه نه با آنان تیری زده و نه نیزه ای به دشمن وارد ساخته و نه در حمایت از آنها شمشیری زده باشیم. نه به خدا سوگند هرگز نمی رویم بلکه جان و مال و اهل و کسان خودمان را فدای تو می کنیم. همراه تو خواهیم جنگید تا به جایگاهت وارد شویم. حسین جان خداوند آن زندگی پس از تو را برای ما زشت گرداند. (۱۵) و این بار نیز با پاسخهای قاطع و صریح خود از این امتحان و آزمایش با سربلندی و افتخار بیرون آمدند.

فرزندان عقیل

همانگونه که گفتیم تعدادی از فرزندان عقیل بن ابی طالب با انتخاب خط سرخ شهادت آماده از امام خویش جانانه دفاع کردند و مظلومانه به شهادت رسیدند از جمله:

۱ - مسلم بن عقیل: مسلم که سلسله جنبان این خاندان بود، با مقامی بس والا در نزد امام حسین علیه السلام که افتخار دامادی امیرالمؤمنین را نیز داشت و از رقیه دختر علی اولادی بهمرسانیده بود، شخصیتی بزرگ و مورد اعتماد ابی عبدالله علیه السلام و به عنوان نماینده ویژه و سفیر آن حضرت انتخاب شده و به کوفه فرستاده شد تا با سنجیدن شرایط و اوضاع کوفه و بیعت گرفتن از مردم آن سامان اخبار را به آن حضرت گزارش کند. اقدامات مسلم پس از ورود به کوفه در تاریخ ثبت شده و برای همیشه قابل تقدیر و ستایش است.



ویژه نامه حماسه خاندان عقیل



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

بن صبیح بوده که یک تیر را بر پیشانی وی زده و با تیر دوم قلبش را نشانه رفته و شکافته است. (۳۱) ابن شهر آشوب گوید عمرو بن صبیح و اسد بن مالک، عبدالله را کشته اند. (۳۲) علامه مقرر، کشته شدن عبدالله را به یزید بن الرقاد و یک نفر دیگر نسبت داده است (۳۳) و خلاصه قاتل عبدالله هر جنایتکاری می خواهد باشد، این مهم نیست بلکه مهم آنست که شجاعت و پامردی عبدالله بن مسلم را از مجموع این گفتارها به دست آوریم و این مسئله بوضوح روشن است زیرا رزمنده ای که از لشکر امام حسین وارد میدان گردد و تعداد نود و هشت نفر از سپاه دشمن را به هلاکت برساند، مسئله ای غیر قابل تحمل برای عمر بن سعد بود، از اینرو به جای جنگ تن به تن از دور مغز و قلب عبدالله را نشانه گرفته و وجود نازنینش را از پای در می آورند.

آخرین گفتار عبدالله بن مسلم: و سرانجام عبدالله با شکافته شدن قلب نازنینش در حالیکه دستش به پیشانیش دوخته شده بود، این جملات را در آخرین لحظات بر زبان جاری ساخت. خدایا این گروه ما را کم به حساب آوردند و ما را خوار کردند، خدایا آنان را بکش همانگونه که ما را کشتند. (۳۴)

۲ - محمد بن مسلم بن عقیل: پس از شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل بنی هاشم و فرزندان ابی طالب بصورت هماهنگ بر سپاه کوفه حمله کردند و در این حمله بود که محمد بن مسلم به روی زمین افتاد و او را ابو مرهم ازدی و لقیط بن ایاس جهنی به شهادت رساندند. (۳۵)

۳ - محمد بن ابی سعید بن عقیل: چون امام حسین علیه السلام شهید شد نوجوانی از خیمه بیرون آمد در حالیکه نگران بود و به طرف چپ و راست خود با دل نگرانی نگاه می کرد، سواری بر او حمله کرد و ضربتی بر او وارد ساخت، از نام و نشانش پرسیدم، گفتند که او محمد بن ابی سعید بن عقیل است، از نام و نشان آن سوار پرسیدم، گفتند: لقیط بن ایاس جهنی است.

هانی بن ثابت حضرمی می گوید: من در کربلا به هنگام کشته شدن امام حسین علیه السلام حضور داشتم و ما ده سوار بودیم و من دهمین نفر آنها بودم که اسبان را در میدان به جولان درآوردیم، ناگهان نوجوانی از اهل بیت حسین از خیمه بیرون آمد، در حالی که چوبی در دست و پیراهنی در بر داشت و به راست و چپ خود می نگرست، در این هنگام سواری به او نزدیک شد و بدن او را با شمشیر پاره کرد. هشام کلبی ناقل این خبر می گوید: هانی بن

زمان خود بوده و در روز عاشورا همراه برادران خود به میدان نبرد رفته و در مقابل حضرت سیدالشهداء علیه السلام به شهادت رسید. (۲۴)

۵ - علی بن عقیل: علی نیز همانند برادران خود با کسب اجازه از حضرت امام حسین علیه السلام با دشمن وارد نبرد شده و جنگ سختی کرد، (۲۵) سرانجام به دست کوفیان به شهادت رسید.

۶ - عبدالله الاکبر بن عقیل: و عبدالله اکبر نیز پس از جنگ سختی که با دشمن کرد، دو نفر به نام عثمان بن خالد جهنی و مرد دیگری از همدان بر او حمله کرده و به شهادت رساندند. (۲۶)

۷ - عون بن عقیل: و در مناقب ابن شهر آشوب برای عقیل فرزند دیگری یادآوری می کند به نام عون که در کربلا شهید گشته است. (۲۷)

نوادگان عقیل: ابن شهر آشوب (۲۸) و دیگران تعداد شهدای نوادگان عقیل را چهار نفر می دانند که برخی پدرشان همانند مسلم پیشاپیش در کوفه شهید شده بود و برخی پدرشان همانند جعفر همراهشان بوده و برخی دیگر پدرشان همانند ابی سعید در کربلا حضور نداشته و به ترتیب خاطره جاوید این چهار نواده عزیز را از نظر می گذرانیم:

۱ - عبدالله بن مسلم
با به شهادت رسیدن علی اکبر، اولین نفری که از خاندان عقیل پا به میدان نبرد گذارد عبدالله بن مسلم بن عقیل بود که از جهتی نواده امیرمؤمنان علیه السلام نیز بوده است. (۲۹)

وی در حین حمله به دشمن رجز می خواند و خود را چنین معرفی می کرد: امروز پدرم مسلم را ملاقات خواهم کرد و با آن گروهی که بر دین پیامبر از دنیا رفته، آنها همانند گروهی که مشهور به دروغ هستند نباشند بلکه از خوبان و دارای نسب کریمند.

عبدالله مردانه جنگید و در سه نوبت حمله ای که به دشمن کرد نود و هشت نفر را به هلاکت رساند. شیخ مفید روایت کرده که عمرو بن صبیح تیری به سوی عبدالله انداخت، عبدالله دست جلوی پیشانی گرفت که تیر آمد و کف دستش را بر پیشانیش دوخت عبدالله نتوانست دست خود را حرکت دهد، اینجا بود که جنایت پیشه دیگری نیزه ای در قلبش فرود آورده او را شهید کرد. (۳۰) و در بین مورخان اختلاف است که قاتل عبدالله بن مسلم بن عقیل چه کسی می باشد از حمید بن مسلم نقل شده که قاتل عبدالله، عمرو



ویژه نامه حماسه خاندان عقیل



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

نسبت به نظر مرحوم صدوق: ممکن است نظر ایشان این باشد که این دو کودک، به هنگام هجوم به چادرها پا به فرار گذارده و در نقطه دور دستی در دام لشکر عمر بن سعد افتاده و به کوفه برده شده اند اما جای این سؤال هست که چرا از بین اسرا فقط این دو کودک به زندان برده شده و چرا حضرت زینب عکس العملی از خود نشان نداده و چرا در این مدتی که اهل بیت در کوفه و شام بوده اند نامی از این دو کودک زندانی نبرده اند.

بهر حال اسارتشان بهر شکل و در هر جا بوده باشد، این ماجرای غم انگیز را مرحوم شیخ صدوق در امالی در مجلس نوزدهم آورده که سرانجام این دو کودک با معرفی کردن خود به زندانبان و فرار کردن از زندان بار دیگر در دام یکی از جلادان عبیدالله بن زیاد افتاده و در کنار نهر فرات بطرز فجیعی مظلومانه به شهادت می رسند.

۷ - ابی عبیدالله بن مسلم بن عقیل: و بر زبان امام زمان علیه السلام نواده هفتمی به نام عبیدالله بن مسلم آمده که حضرت بر او سلام می فرستد و بر قاتلش عمرو بن صبیح نفرین می کند. (۴۱)

شهادت خاندان عقیل از منظر معصومین

علاوه بر گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر برخی از شهدای خاندان عقیل، سخنان دیگری از سایر معصومین علیهم السلام نسبت به این عزیزان افتخارآمیز رسیده است که به عنوان حسن ختام این بحث به ذکر آنها بسنده می کنیم:

سخنان امام حسین در روز عاشورا: و در روز عاشورا به هنگامیکه حمله دستجمعی و هماهنگ خاندان ابوطالب شروع شد و در همان حمله عده ای از جوانان خاندان عقیل به شهادت رسیدند، حضرت ابی عبدالله علیه السلام سخنان زیر را در صبر و پایداری و ایستادگی آنها در برابر دشمن فرموده: ای عموزادگان من صبر و مقاومت کنید، و ای اهل بیت من شکیباً باشید که بعد از امروز دیگر هرگز روی سختی و مصیبت را نخواهید دید. (۴۲) همچنین می فرمود: خدایا قاتلان عقیل را نابود کن. ای آل عقیل صبر و مقاومت کنید که وعده گاه بهشت است. (۴۳)

شهادت عقیل در نگاه امام سجاد علیه السلام: و امام سجاد علیه السلام هرگاه بیاد خاندان عقیل می افتاد دلش برای آنها می شکست. چنانچه آورده اند که آن حضرت خاندان عقیل را بسیار دوست می داشته و حتی آن ها را بر خاندان جعفر مقدم می داشته، برخی که

ثبیت خود قاتل آن نوجوان بود ولی از ترس نام خود را ذکر نکرده است. (۳۶)

۴ - جعفر بن محمد بن عقیل: ابن شهر آشوب به نواده چهارمی از عقیل به نام جعفر اشاره می کند که پدرش نیز در کربلا حضور داشته و جزو شهدای کربلا می باشد. همانگونه که فرزند دیگری نیز به عنوان عون برای عقیل ذکر می کند که در سایر مقاتل یافت نمی شود، و از ذکر نام فراتر نرفته تا از خصوصیات آنها اطلاعات بیشتری داشته باشیم. (۳۷)

۵ - ۶ - دو نواده دیگر از خاندان عقیل:

یکسال پس از حادثه عاشورا دو کودک دیگر از فرزندان مسلم بن عقیل به نام محمد و ابراهیم به شهادت رسیدند که در بین مورخین اختلاف هست که این دو کودک چه وقت و در کجا اسیر شدند. مرحوم صدوق در امالی (۳۸) آورده است چون امام حسین شهید گردید دو پسر کوچک از لشکرگاهش اسیر شدند و آنها را به نزد عبیدالله آورده، او زندانبان را احضار کرده و به او گفت این دو کودک را به زندان ببر و خوراک خوب و آب سرد به آنها نده و بر آن دو سخت گیری کن، این دو کودک در زندان روزها روزه می گرفتند و شب دو قرص نان جو و یک کوزه آب برای آنها می آوردند تا یک سال بدین منوال گذشت... (۳۹)

و برخی دیگر معتقدند که این دو کودک همراه پدرشان مسلم بن عقیل به کوفه آمدند و پس از شهادت مسلم بن عقیل، عبیدالله بن زیاد این دو فرزند را به دست شریح قاضی سپرد که از آنها نگهداری کند... (۴۰)

اما آوردن این دو به همراه پدرشان اگرچه بعید نیست زیرا مسلم بن عقیل پس از ترک مکه بار دیگر به مدینه رفته و ممکن است این دو کودک را به همراه خود به کوفه برده باشد اما این نظر بدلیلی چندان صحیح به نظر نمی رسد، زیرا این سؤال مطرح است که چرا در وصیت نامه مسلم نامی از این دو فرزند نیامده که این دو فرزند را به کاروان امام حسین علیه السلام که در بین راه هستند بسپارید. ثانیاً مگر مورخین ننوشته اند که مسلم بن عقیل در شب حادثه در کوفه حیران و تنها مانده بود که به طرف خانه زنی به نام طوعه رفت.

و اگر این دو کودک همراه پدرشان در خانه طوعه بودند چرا گزارشگر خبر مسلم خبری از آنها نداد افزون بر این در هیچ کتابی یافت نشده که این دو کودک در خانه هانی دستگیر شده باشند. و اما



ویژه نامه حماسه خاندان عقیل



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

- اشکال می گرفتند حضرت در پاسخ می فرمود من هر وقت که به یاد حماسه بزرگ آنان و دفاعشان از ابی عبدالله علیه السلام می افتم دلم برای آنها می شکند. (۴۴)
- خاندان عقیل در نگاه مهدی علیه السلام : و در زیارت ناحیه مقدسه، حضرت بقیه الله علیه السلام به پنج نفر از شهدای خاندان عقیل به نام، اشاره فرموده و سلام می دهد و بر قاتلان نشان نفرین می فرستد که دو تای آنها از فرزندان و سه تای دیگر از نوادگان عقیل بن ابی طالب می باشند، آنجا که می فرماید:
- السلام علی جعفر بن عقیل و لعن الله قاتله و رامیه بشر بن حوط الهمدانی... السلام علی عبدالرحمن بن عقیل، لعن الله قاتله و رامیه عثمان بن خالد... السلام علی القتیل بن القتیل عبدالله بن مسلم بن عقیل و لعن الله قاتله عامر بن صعصعه... السلام علی عبیدالله بن مسلم بن عقیل و لعن الله قاتله و رامیه عمرو بن صبیح الصیداوی... السلام علی محمد بن ابی سعید بن عقیل و لعن الله قاتله لقیط بن ناشر الجهنی. (۴۵)
- این بود خلاصه ای از حماسه جوانان خاندان عقیل که با اقدامات اعجاب انگیز خود بزرگترین درس را به جوانان عاشق کمال و ترقی تقدیم آنها کردند، چرا که ثابت کردند که در جریانات انحرافی چگونه راه صحیح خود را پیدا کرده و هرگز فریب الفاظ پوچ و زیباییهای کاذب را نخوردند. به امید پیروی از راه جاویدشان.
- پی نوشت ها:**
۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۵.
 ۲. همان.
 ۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۰۰.
 ۴. در مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۱۲، فرزند دیگری به نام عون ذکر کرده است.
 ۵. مقاتل الطالبيين، ص ۹۴.
 ۶. سفینه البحار، ج ۲؛ ص ۲۱۵.
 ۷. همان.
 ۸. نهج البلاغه صبحی الصالح، خطبه ۲۲۴.
 ۹. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۲.
 ۱۰. مقتل الحسين، ابن طاووس، ص ۳۱.
 ۱۱. همان، ص ۲۰، مقتل الحسين مقرر، ص ۱۷۸.
 ۱۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۳.
 ۱۳. مقتل الحسين ابومخنف، ص ۷۸.
۱۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۳.
 ۱۵. اعلام الوری، ص ۲۳۵، مقتل الحسين مقرر، ص ۲۱۳.
 ۱۶. همان، ص ۱۶۳.
 ۱۷. مادرش ام الثغر دختر عامر عامری از طایفه بنی کلاب می باشد.
 ۱۸. مقاتل الطالبيين، ص ۹۳.
 ۱۹. حیاة الامام الحسين، ج ۳، ص ۲۵۱.
 ۲۰. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۵.
 ۲۱. مقتل الحسين مقرر، ص ۲۶۲.
 ۲۲. وی افتخار دامادی امیرمؤمنان علی علیه السلام را داشت.
 ۲۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۶.
 ۲۴. ابصار العین، ص ۹۲.
 ۲۵. حیاة الامام الحسين، ج ۳، ص ۲۵۲.
 ۲۶. همان، ص ۲۵۳.
 ۲۷. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۷۸.
 ۲۸. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲.
 ۲۹. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲.
 ۳۰. مادر عبدالله رقیه دختر امیرمؤمنان بوده است. فتوح اعثم کوفی، ج ۵، ص ۲۰۳.
 ۳۱. ارشاد، ص ۲۲۳.
 ۳۲. ابصار العین، ص ۹۰.
 ۳۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۵.
 ۳۴. مقتل الحسين، ص ۲۶۲.
 ۳۵. حیاة الامام الحسين قرشی، ج ۳، ص ۲۵۱.
 ۳۶. قصه کربلا، ص ۳۳۶.
 ۳۷. همان، ص ۳۳۷.
 ۳۸. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲.
 ۳۹. امالی صدوق، ص ۷۴.
 ۴۰. قصه کربلا، ص ۳۹۴.
 ۴۱. زندگانی امام حسین، ص ۳۱۸.
 ۴۲. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶۸.
 ۴۳. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۶.
 ۴۴. الامام الحسين قریشی، ج ۳، ص ۲۴۹.
 ۴۵. همان.
 ۴۶. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶۸.
- منبع: پاسدار اسلام - اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۲۳۳ - حماسه خاندان عقیل در قیام حسینی

